

ملک الشعراء محمد تقی بهار

تکلیل اسلم بیگ ☆

Abstract

Malik-ul-Shu'ara was a great poet of cotemporary times. "Sabak Shanasi" Babar is his famous book in three volumes. He took interest in politics and literature at the same time. Besides poetry, he was also known as an historian and stylist. His other claim of fame was to be a poet of freedom though no Iranian poet or writer of that time admitted him as a poet of freedom. Through this article, a study has been made of multi-faceted personality of Malik-u-Shu'ara Babar and his work.

شرح احوال محمد تقی بهار

”ملک الشعراء بهار ستایشگر بزرگ آزادی است و از شاعران بزرگ ایران هیچ کس به خوبی او از آزادی سخن نگفته است. آغاز شاعری وی، مواجهه با دوره ای شد که در طی آن آزادی و نه سنگر و کرسی آن مطلوب و مقصود کسانی بود که برای نجات قوم و ملت خویش شور و درد واقعی داشتند. مبارزه با نفوذ و تجاوز بیگانه، مبارزه با تعدی و بیداد فرمانروایان خود کامه،

☆ طالب علم پی. ایچ. ڈی فارسی تربیت مدرس یونیورسٹی تهران، ایران۔

مبارزه با آنچه ایران را به ضعف و فقر و فساد محکوم کرده بود، هدف کسانی بود که در آن روزها در مشهد و تبریز و اصفهان و تهران و همه جا با استبداد به پیکار برخاسته بودند. بهار، شاعر جوان مشهدی نیز که در این هنگام به دفاع از حیثیت و استقلال قوم و وطن برخاست، آزادی را یگانه امید ملک و ملت می‌شمرد. (زرین کوب، ص ۳۷۳)

محمد تقی متخلص به بهار، ملقب به ملک الشعراء، شاعر، نویسنده، روزنامه نگار و محقق نامور معاصر، در دوازدهم ربیع الاول ۱۳۰۶ ق/ ۱۲۶۵ ش، ۱۷ آذر در مشهد متولد شد. پدرش محمد کاظم، ملک الشعراء آستان قدس رضوی بود. نسب و به میرزا احمد صبور کاشانی (متوفی: ۱۲۲۹ ق)، قصیده سرای سرشناس عهد فتحعلی شاه، می‌رسد. به همن خاطر پدربهار تخلص "صبوری" را برگزید. (۱) بهار در چهارسالگی به مکتب رفت و در شش سالگی فارسی و قرآن را به خوبی می‌خواند. از هفت سالگی نزد پدر "شاهنامه فردوسی" را آموخت و اولین شعر خود را در همین دوره سرود. اصول ادبیات را نزد پدر فراگرفت و سپس تحصیلات خود را نزد میرزا عبد الجواد معروف به ادیب نیشاپوری (متوفی ۱۳۰۵ ق) تکمیل کرد. (۲)

در سال ۱۳۲۲ ق پدرش، میرزا کاظم صبوری، در مشهد چشم از جهان فروبست و بهار در هجده سالگی، به فرمان مظفرالدین شاه، جای پدر را گرفت. (۳) در بیست سالگی به صف مشروطه طلبان خراسان پیوست و اولین آثار ادبی و سیاسی او در روزنامه خراسان (۲۵ صفر ۱۳۲۷ ق- ۲۵ رجب ۱۳۲۷ ق) به طریق پنهانی و بدون امضا به چاپ می‌رسید که مشهورترین آنها مستزادی است خطاب به محمد علیشاه. (۴)

بهار در ۱۳۲۸ ق، روزنامه نو بهار را که ناشر افکار حزب دموکرات

بود، منتشر ساخت و به عضویت کمیته ایالتی این حزب در آمد. در همین ایام، قصیده "پیام به وزیر خارجه انگلستان" را که در اعتراض به قرار داد ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م بود، در "روزنامه حبل المتین" منتشر کرد. (۵) این روزنامه پس از چندی به دلیل مخالفت با حضور قوای روسیه در ایران و مخاصمه با سیاست آن دولت، به امر کنسول روس تعطیل شد. وی بلافاصله روزنامه تازه "بهار" را تأسیس کرد. این روزنامه در محرم ۱۳۳۰ ق به امر وثوق الدوله، وزیر خارجه، تعطیل و بهار نیز دستگیر و به تهران تبعید شد. (۶) در ۱۳۳۲ ق به نمایندگی مجلس سوم شورای ملی انتخاب شد. یک سال بعد دوره سوم "نو بهار" را در تهران منتشر کرد و در ۱۳۳۴ ق "انجمن ادبی دانشکده" و نیز "مجله دانشکده" را بنیان گذاشت که به اعتقاد او مکتب تازه ای در نظم و نثر پدید آورد. (۷) انتشار "نو بهار" بارها ممنوع و دوباره آزاد شد. یکی از معروفترین قصیده های بهار "بث الشکوی" در ۱۳۳۷ ق به مناسبت توقیف نو بهار سروده شده است. کودتای ۱۲۹ش، بهار را برای سه ماه خانه نشین کرد و در همین مدت، یکی از به یاد ماندنی ترین قصیده های خود "هیجان روح" را سرود.

چندی بعد که زندانیان رژیم کودتا آزاد شدند، و قوام السلطنه نخست وزیر شد، بهار به نمایندگی مجلس چهارم انتخاب شد. از این دوره با سید حسن مدرس، روحانی نامدار و رهبر فراکسیون اقلیت، همراهی می کرد.

هدف این فراکسیون مبارزه برای حفظ اصول مشروطه و ایستادگی در برابر خود کامگی سردار سپه بود، بهار در این دوره در محضر هرتسفلد (Herzfeld)، دانشمند آلمانی، زبان پهلوی می آموخت. (۸)

در ۱۳۰۱ش، تاریخچه اکثریت در مجلس چهارم را نوشت و بخشی از آن را در نوبهار به چاپ رساند. (۹) در همین سال قصیده معروف "دماوندیه" و

”سکوت شب“ را سرود (۱۱) در مجلس پنجم نیز در صف مخالفان جمهوری رضا خانی جای گزید و معتقد بود که موافقت سردار سپه با جمهوری، اسباب تردید مردم شده است و مردم نتیجه چنین جمهوری را دیکتاتوری رضا خان می بینند. (۱۲) بهار پس از تشنج در مجلس و اهانت فراکسیون تجدد به مدرس، به دلیل بد بینی از اوضاع کشور، تصمیم به کناره گیری از سیاست گرفت و از نمایندگی استعفا کرد. اما مشیر الدوله پیرنیا مانع شد. پس از آن واکنش مردم در اعتراض به بی احترامی به مدرس او را دیگرم کرد. (۱۳) پس از قتل عشقی در تیر ماه ۱۳۰۳ شمسی، فراکسیون اقلیت کو سیدتا با فضای رعب و وحشتی که بر تهران حاکم شده بود، مقابله کند و مذاکرات شدید اللحنی در مجلس صورت گرفت. (۱۴) بهار در این دوره خطر مخالفت با سردار سپه را دریافت و اشعاری ظاهراً در تحسین جمهوری ولی معنای مخالف آن سرود.

پس از ناکامی غوغای جمهوری خواهی، هواداران رضا خان پیشنهاد تغییر سلطنت را به مجلس بردند. هنگامی که بهار به عنوان نماینده اقلیت نطق تندی در اعتراض به این مسئله ایراد کرد، عوامل نظمیه که قصد رور او را داشتند، روزنامه نگاری به نام واعظ قزوینی را به جای وی به قتل رساندند (۱۵) بهار در قصیده ”یک شب شوم“ تاثر خود را از این ماجرا بازگو کرده است. (۱۶)

در مهر ۱۳۰۳ ش، حکومت نظامی از رضا خان رئیس الوزرا، خواستار سلب مصئونیت سیاسی بهار شد. (۱۷) در ۱۳۰۸ ش، به اتهام مخالفت‌های پنهان بارضا شاه، برای مدتی به زندان افتاد و تا ۱۳۱۲ ش چند بار به حبس و تبعید محکوم شد. در ۱۳۱۲ ش. از زندان آزاد وبه اصفهان تبعید شد و در ۱۳۱۳ ش، با وساطت فروغی برای شرکت در جشنهای هزاره فردوسی به تهران

فراخوانده شد. از آن به بعد، سرشارترین دوران کار علمی بهار که با انزوای او در ۱۳۰۷ش، پس از پایان مجلس ششم و کناره گیری از مجلس آغاز شده بود، غنی ترشد. در ۱۳۰۷ش، بهار به تدریس ادبیات پیش از اسلام در دار المعلمین تهران پرداخته بود که زندان و تبعید آن را متوقف ساخت و بعد از ۱۳۱۳ش، دوباره ادامه پیدا کرد. (۱۸) دستاورد ادبی و علمی او در این دوره، تصحیح متون، ترجمه آثاری از پهلوی به فارسی، تألیف سبک شناسی و نگارش احوال فردوسی بر مبنای شاهنامه بود. "کارنامه زندان" را نیز در ۱۳۱۲.۱۳۱۳ش سرود. در ۱۳۱۶ش تدریس در دوره دکتری ادبیات فارسی را به عهده گرفت. (۱۹)

با سقوط رضا شاه در شهر یور ۱۳۲۰ش، بهار مجدداً به فعالیت سیاسی و اجتماعی روی آورد و قصیده "حب الوطن" را در اندرز به شاه جدید سرود. (۲۰) روزنامه نو بهار را دوباره منتشر کرد و تاریخ مختصر احزاب سیاسی و "شرح حال مدرس" را در ۱۳۲۲ش نگاشت. (۲۱) از ۱۳۲۲ش تا ۱۳۲۶ش، رئیس کمیسیون ادبی انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بود و اولین کنگره نویسندگان ایران در ۱۳۲۴ش از طرف این انجمن را نیز به عهده گرفت. (۲۲) و چند ماه بعد به دلیل اختلاف با قوام بر سر مسئله آذر بایجان، استعفا کرد. در ۱۳۲۶ش، به عنوان نماینده تهران در مجلس پانزدهم انتخاب شد و ریاست فراکسیون حزب دموکرات را به عهده گرفت، اما بیماری سل، که از مدتها پیش بدان مبتلا بود، به او مجال نداد و وی ناچار برای معالجه به شهر لوزان سویس رفت. بهار قصیده "به یاد وطن" معروف به "لُزَنیه" را در همین شهر سرود. نامه های او در این زمان شرح خاطرات و دلتنگیهای شاعر است. (۲۳)

در ۱۳۲۹ ش، "جمعیت ایرانی هوا داران صلح" به ریاست بهار تشکیل شد. بهار به اقتضای طبیعت انساندوستانه خود، این مسئولیت اجتماعی را که از نظر او فعالیت سیاسی نبود، پذیرفت و معتقد بود که هواداران صلح به هرگروهی وابسته باشند، فریاد صلح خواهی اصیل و قابل احترام است. در تابستان این سال، آخرین قصیده بلند خود "جغد جنگ" را سرود که از بهترین آثار اوست. (۲۴)

بهار در روز اول اردیبهشت ۱۳۳۰ ش در خانه مسکونی خود زندگی را بدرود گفت و در شمیران در آرامگاه ظهیر الدوله به خاک سپرده شد.

آثار ملك الشعراء بهار

۱. چهار خطابه

در ۱۳۰۵ ش، به منظور حفظ جان منظومه "چهار خطابه" را برای شاه جدید می سراید و در سلام- نوروز می خواند؛ ولی در این منظومه به رضا شاه اندرزمی دهد و از اطرافیان او انتقاد می کند. (۲۵) این در همین سال در تهران به چاپ رسید.

۲. اندرز های مارا اسپندان

در ۱۳۱۲ ش، بهار متن پهلوی "اندرز های مار اسپندان" را به فارسی ترجمه و به نظم کشید.

۳. یادگار زیران، احوال فردوسی

در ۱۳۱۳ ش، وی "یادگار زیران" را از پهلوی به فارسی برگرداند. نیز کتابی احوال فردوسی در همین سال نگاشته و در اصفهان به چاپ رساند.

۴. زندگانی مانی

در ۱۳۱۳ ش، بهار کتابی به نام "زندگانی مانی" در تهران منتشر ساخت.

۵. گلشن صبا از فتح‌علی خان صبا (تصحیح متن)

در همین سال کتابی مذکور به تصحیح وی در تهران انتشار یافت.

۶. تاریخ سیستان

نسخه منحصر به فردی بود که بهار آن را معرفی کرده است. متنهایی که بهار تصحیح کرده، هنوز از نظر دقت در خور ستایش است، از آن جمله تاریخ سیستان که در ۱۳۱۴ ش در تهران به چاپ رسید.

۷. رسالهٔ نفس ارسطو

رساله نفس ارسطو، ترجمه بابا افضل مرقی به تصحیح بهار در

۱۳۱۶ ش به چاپ رسید.

۸. مجمل التواریخ والقصص

این دستنویس هم به تصحیح بهار در تهران در ۱۳۱۸ ش انتشار یافت.

۹. سبک شناسی

کتاب "سبک شناسی" که از زمان وی تاکنون متن درسی است، برای اولین بار، مباحث جدیدی در این اثر گرد آورد. بهار به شناخت ویژگیهای صرفی و نحوی زبان هر دوره و واژگان و کیفیت تعبیر هر صاحب اثر بیشتر از مضمون و محتوا و طرز ادراک، تکیه کرده است. انتشار جلد اول و دوم کتاب سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی در ۱۳۲۱ ش در تهران صورت گرفت و جلد سوم در ۱۳۲۶ ش منتشر گردید.

۱۰. تاریخ مختصر احزاب سیاسی

نگارش و انتشار این اثر از بهار در تهران، جلد اول در ۱۳۲۱ ش و نثر

جلد دوم در ۱۳۲۳ ش صورت گرفت.

۱۱. جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی
تصحیح بخشی از این اثر مذکور سیدید الدین محمد عوفی را در
۱۳۲۴ ش انجام داد و به انتشار ساخت.
۱۲. دستور پنج استاد
بهار کتابی دربارهٔ دستور زبان فارسی به همراهی استاد قریب، استاد
فروزانفر، استاد رشید یاسمی، استاد جلال الدین همایی در تهران در ۱۳۳۵ ش
منتشر نمود.
۱۳. شعر در ایران
کتابی "شعر در ایران" از ملک الشعراء بهار بعد از درگذشت وی، در
تهران در ۱۳۳۳ به چاپ رسید، و همین طور آثار زیر بعد از وفات وی منتشر شد:
 ۱۴. تاریخ تطّور در شعر فارسی، مشهد، ۱۳۳۴ ش،
 ۱۵. دیوان اشعار، تهران، ۱۳۳۵ ش
 ۱۶. تصحیح تاریخ بلعمی از ابو علی محمد بن محمد بلعمی، به
کوشش محمد پروین گنا بادی، تهران، ۱۳۴۱
 ۱۷. فردوسی نامه بهار، به کوشش محمد گلبن، تهران، ۱۳۴۵ ش.
 ۱۸. رساله در احوال محمد بن جریر طبری، تهران
 ۱۹. مجموعهٔ صد مقالهٔ بهار نیز به کوشش محمد گلبن، در کتابی به
نام "بهار و ادب فارسی" چاپ شده است.

شعر ملك الشعرا بهار

بهار با مطالعه عمیق در آثار گذشتگان به مدد حافظهٔ پربار و سرشار خود، و در فنون ادبی و تحقیقی به پایه ای از جامعیت رسید که بزرگترین محققان زمان به گفته ها و نوشته های او استناد می کردند. به زبانها مثل عربی، فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت، دیوان های شاعران سلف را به دقت خوانده بود و این خود به حضور ذهن او دریافتن و به کار بردن لغات در ترکیبات شعری یاری می رساند. پایه و مقام او در عنفوان جوانی در حدی بود که بعضی از حاسدان سروده های او را به پدرش یا به بهار شروانی نسبت می دادند. (۲۶)

بهار در شاعری، اصالت کلام را در مضمون و محتوای آن می دانست نه در لفظ و قالب؛ او به ضوابط و موازین اشعار کهن فارسی به تمام و کمال پابند بود، و اگر هم گاه در اوزان و قالبهای کهن تصرفات و دستکار بهایی می کرد همواره موسیقی شعر و افاعیل و عروضی را در نظر داشت و از آن عدول نمی کرد.

بهار از انواع مختلف شعر، بیشتر به "قصیده سرایی" توجه داشت. قصاید او معمولاً به سبک خراسانی بود، هرچند در آن به مدد طبع روان و قریحهٔ خلاق خود تصرفاتی نیز می کرد. قصاید او بیشتر ساخته و پرداختهٔ طبع خود اوست. گاه نیز قصاید شعرای سلف را مانند رودکی، فرخی، جمال الدین عبدالرزاق، منوچهری و سنایی در وزن و قافیه تقلید کرده و به اصطلاح جواب گفته است. (۲۷) او در این شیوهٔ تقلید نیز نوآوریهای دارد. در قصیده ای که به تقلید از منوچهری سروده، توانسته است الفاظ بیگانه را در مضامین نو چنان جای دهد که دریافت کلام ناهمگون و ناهنجار به نظر نرسد.

مضمون قصاید بهار، انتقادی، در منقبت و رثای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت، وصفی، پند و اندرز، شکوائیه است، گاه نیز به اقتضای زمان یا

برای رهایی از بند، مدایحی سروده و قصیده آورده است. بهار به موضوعات متنوع دیگری در وصف حال و مطایبه و نظایر آن نیز می پردازد. قصاید بهار از حیث سبک سخن بسیار ساده و روان و یک دست و زود فهم است. (۲۸)

شمار مثنویهای کوتاه و بلند از ملك الشعراء بهار به بیش از هشتاد می رسد. (۲۹) در این میان مثنویهایی که در بحر حدیقه سنایی یا شاهنامه فردوسی و یاسبحة الابرار جامی سروده است بسیار جلب نظر می کند و در آنها از لحاظ شیوه گفتار به سبک این سه شاعر بسیار نزدیک شده است. و در مثنوی سرایی نو آوریهایی دارد که در زبان فارسی بی سابقه است و از آن جمله است مثنویهای مستزاد او.

مثنویهای بهار بیشتر در موضوعات دینی، پند و اندرز، موضوعات وطنی، تاریخی، انتقادی، مطایبه و مناظره، مدح و قدح، شکوائیه و داستانهای کوتاه سروده شده و در آنها ترجمه بعضی از اشعار خارجی نیز یافت می شود. (۳۰) مثنویهای "ساقی نامه"، "اندرز به شاه"، "گفتگو"، و "کلبه بینوای بهار" بسیار معروف است.

بهار در غزل نیز برخلاف رسم متعارف، گاه به تصریح و گاه به کنایه مضامین انتقاد آمیز و شکوائیه و وطنی و سیاسی را نیز گنجانیده است. (۳۱) بهار در دیگر اقسام شعر نیز طبع آزمایی کرده و آثار ارزنده ای از خود به جای گذاشته است که در شمار آن باید از مسمطها و ترجیع بندها و ترکیب بندها و چهارپاره ها و قطعات و دو بیتی های او نام برد.

ساده سخنی و روانگویی بهار، در شیوه گفتار، به گونه ای است که بسیاری از ابیات او را اگر خواسته باشیم به زبان نثر برگردانیم، عبارتی، تمامتر و رساتر از همان بیت نخواهیم یافت، و این درست همان صنعت سهل ممتنعی است که قدما آن را از دلایل رونق کلام شمرده اند.

شعر مدرن بهار:

به گفته شمس لنگرودی:

”مطلقاً نمی شود ملك الشعراء بهار را نو پرداز دانست. او آخرین بازگشتی دوره قاجار، ودست بالا، از شاعران جنبش مشروطه محسوب می شود. ولی دو شعر مدرن، تنها دو شعر دارد، که ظاهراً به تفنن یا برای قدرت نمایی ساخته، و خالی از لطف نیست“ (۳۲)

نمونه ای از شعر نو بهار:

سرود کبوتر

بیاييد ای کبوتر های دلخواه
 بدن کافور گون پاها چوشنگرف
 بپريد از فراز جام و ناگاه
 به گرد من فرود آييد چون برف

سحرگاهان که این مرغ طلایی
 فشانند پر ز روی برج خاور
 ببینمتان به قصد خود نمایی
 کشیده سر ز پشت شیشه در

بیاييد ای رفیقان وفادار
 من اینجا بهرتان، افشانم ارزن
 که دیدار شما بهر من زار
 به است از دیدن مردان برزن (۳۳)

افکار پریشان

از بر این کره پست حقیر
زیر این قبه مینای بلند
نیست خرسند کس از خرد و کبیر
من چرا بیهده باشم خرسند

من نه زاهد نه محاسب نه ظریف
من نه تاجر نه سپاهی نه ندیم
به همه باب حریف و نه حریف
به همه کار علیم و نه علیم

سخت چون سنگ و سپهر غمّاز
هر دم بر جگر افکنده خدنگ
گوئی از بهر نشان، تیر انداز
هدفی سرخ نشانیده به سنگ (۳۴)

به طور خلاصه، بهار در انواع مختلف شعر فارسی تفنن و طبع آزمایی کرده است و در عین حال نواندیشیها و نو آوریهایی هم دارد. با این مقدمه و برداشت، می توان او را در انواع مختلف شعر، در میان شاعران پارسی گوی به جامعیت و کمال ستود و حتی در مرتبت و مقامی بزرگ نیز جای داد.

حواشی

- ۱- بهار، دیوان، ج ۱، مقدمه، ص یک، بیست و دو.
- ۲- همان، ص یازده.
- ۳- همان، ص بیست و دو.
- ۴- همان، ص یازده؛ نیز بهار، بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص هشت.
- ۵- همان، ج ۱، ص ۲۰۴.
- ۶- همان، ج ۱، مقدمه، ص دوازده، سیزده.
- ۷- همانجا.
- ۸- همان ج ۱، ص ۳۵۲-۳۴۸.
- ۹- بهار و ادب فارسی، ج ۱ ص ده.
- ۱۰- همانجا.
- ۱۱- همن دیوان، ج ۱، ص ۳۵۷، ۳۶۶.
- ۱۲- بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۱.
- ۱۳- همان، ج ۲، ص ۳۸.
- ۱۴- حسن مدرس، مدرس در پنج دورهٔ تقنینیه، ج ۲، ص ۵۵.
- ۱۵- بهار، بهار و ادب فارسی، همانجا.
- ۱۶- بهار، دیوان، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۰.
- ۱۷- میر انصاری، دفتر دوم، سند ۳۷، ص ۱۰۳-۱۰۴.
- ۱۸- بهار، بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص ده، یازده؛ همان، دیوان، مقدمه، ص پانزده.
- ۱۹- بهار، بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص یازده، همان، دیوان، مقدمه، ص شانزده.
- ۲۰- بهار، دیوان، ج ۱، ص ۷۴۵-۷۵۰.
- ۲۱- بهار، بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص دوازده.
- ۲۲- میر انصاری، دفتر دوم، سند ۱۰۹، ص ۲۷۵.
- ۲۳- بهار، دیوان، مقدمه، ص هیجده؛ بهار و ادب فارسی، همانجا؛
هینوی، ش ۱، ص ۱۳۹، ش ۳، ص ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۷.

۲۴. بهار، دیوان، همانجا، ج ۱، ۸۲۴
۲۵. سپانلو، ص ۱۸۵.
۲۶. بهار، دیوان، ج ۱، مقدمه، ص بیست و دو، بیست و سه.
۲۷. همان، ج ۱، ص ۱۰، ۲۹، ۳۳، ۱۶۳، ۲۰۹، ۳۸۰، ۸۲۴
۲۸. همان، ج ۱، ص ۵۰۰.۸
۲۹. همان، ج ۲، ص ۱۱۴۱.۸۳۱
۳۰. همان، ج ۲، ص ۱۰۸۷ با عنوان ترجمه اشعار شاعر انگلیسی
۳۱. همان، ج ۲، ص ۱۱۴۵.۱۱۵۵
۳۲. شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، ص ۱۵۳.۱۵۴
۳۳. بهار، دیوان، ج اول، ص ۳۷۱
۳۴. همان، ج اول، ص ۳۸۰

منابع

۱. محمد تقی بهار، بهار و ادب فارسی، چاپ محمد گلبن، تهران ۱۳۵۱ ش
۲. همو، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، تهران ۱۳۶۳ ش
۳. همو، دیوان، به کوشش مهرداد بهار، تهران ۱۳۶۸ ش
۴. حسن مدرس، مدرس در پنج دوره تقنینیه، به کوشش محمد ترکان، ج ۲، تهران، ۱۳۷۴
۵. علی میر انصاری، اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، دفتر دوم:
۶. ملك الشعراء بهار، تهران، ۱۳۷۷
۶. عبد الحسين زرین کوب، باکاروان حله، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۴ ش
۷. شمس لنگرودی (محمد تقی جواهری گیلانی)، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱
۸. محمد علی سپانلو، بهلك الشعراء محمد تقی بهار، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۲ ش

